جام جم

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ | ۳ رجب ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۳۴۳ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Sunday - 2019 Mar 10

حدیث روز: مستدرک‌الوسائل

امام هادی(ع): خشم بر کسی که اختیارش به دست تو نیست، نشانه ناتوانی و بر آن که اختیارش به دست تو است، مایه سرزنش است.

پلک احساس: سعدی

کسی که روی تو دیده‌ست حال من داند
که هر که دل به تو پرداخت صبر نتواند

امروز در تاریخ:

- شهادت امام هادی علیه‌السلام (۲۵۴ ق)
- درگذشت لوون هفتوان، بازیگر و کارگردان سینما و تئاتر (۱۳۹۶ ش)
- اختراع تلفن توسط الکساندر گراهام بل مبتکر اسکاتلندی (۱۸۷۶م)
- بمباران شدید توکیو توسط هواپیماهای آمریکایی (۱۹۴۵م)

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	اراک	ایلام	اصفهان	تبریز	شیراز	شهرکرد	گرگان
۶ / ۱۵	۴- / ۱۰	۲- / ۱۲	۰ / ۱۴	۱ / ۱۲	۲ / ۱۶	۷- / ۸	۴ / ۱۸

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۱۵ | غروب آفتاب: ۱۸/۰۷
اذان مغرب: ۱۸/۲۵ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۳
اذان صبح (فردا): ۴/۵۸ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۲۲

حکمت ۱۶۲: نهج‌البلاغه

آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست.

راپورت‌های میرزا ادریس

ما نیز مردمیم...

الیوم بعد صلات مغرب میرزا یعقوب آجیل‌فروش زیر بازارچه را در مسجد زیارت کردیم. دمغ بود، جویای احوال شدیم، فرمودند: غم مردم داریم.

فرمودیم: خیر باشد؟

عارض شد: تصدقت گردم بار گران شده، شدیم چرتکه‌انداز غم مردم. پدر خانواده می‌آید قیمت می‌کند نرخ می‌پرسد، جواب می‌دهیم توی کله‌اش دو دوتا چهارتا می‌کند. یك بسته بی‌تربیتی فیل و نیم کیلو نخودچی می‌خرد و می‌رود. به یك نفر کمك کنیم به دو نفر کمك کنیم خیریه که نزدیم. ما نیز مردمیم خرج و برج داریم. ماندیم چه کنیم؟ این همه سال مردم را با پاکت پاکت آجیل و شیرینی فرستادیم خانه‌شان و امسال فقط حسرت می‌فروشیم، همین بار به حجره مانده را بفروشیم، چهارقفله می‌کنیم می‌نشینیم ور دل منزل این همه غصه هم نمی‌خوریم.

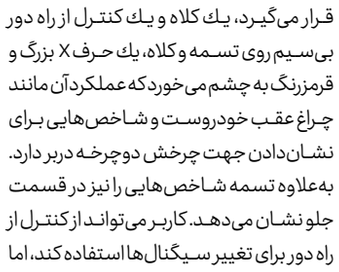
فوق‌النهایه ملول گشته بعد نماز مغرب به‌حال رعیت و همه پدرهای شرمنده دعا خوانده از خدا فرج و گشایش مسالت نمودیم و بر باعث و بانی‌اش لعنت فرستادیم... دل و دماغ برای نبشتن نداریم، این سخن بگذار تا وقت دگر... زیاده عرضی نیست.

تولید لباس ایمن برای دوچرخه‌سوارها

یك استارت‌آپ انگلیسی، نوعی سیستم پوشیدنی ارائه داده که می‌تواند امکان دوچرخه‌سواری ایمن را فراهم کند.

اخیرا شاهد ابداع بسیاری از ابزار ایمنی دوچرخه بوده‌ایم که به لامپ‌های LED و بلوتوث مجهز هستند. یك استارت‌آپ انگلیسی موسوم به وی وی (Wayv)، نوعی سیستم به همین نام ارائه داده که تلفیقی از همه این ویژگی‌ها را ارائه می‌دهد. وی وی که شامل ۲۰۰ لامپ LED است از سه بخش تشکیل شده؛ یك تسمه قابل تنظیم که روی کوله‌پشتی یا کاپشن قرار می‌گیرد، یك کلاه و یك کنترل از راه دور بی‌سیم روی تسمه و کلاه، یك حرف X بزرگ و قرمزرنگ به چشم می‌خورد که عملکرد آن مانند چراغ عقب خودروست و شاخص‌هایی برای نشان‌دادن جهت چرخش دوچرخه دربر دارد. به‌علاوه تسمه شاخص‌هایی را نیز در قسمت جلو نشان می‌دهد. کاربر می‌تواند از کنترل از راه دور برای تغییر سیگنال‌ها استفاده کند، اما این سیستم دکمه خاصی برای کنترل ندارد. در عوض کاربر می‌تواند یك اهرم را با انگشت شست خود حرکت دهد تا دوچرخه را به جهت‌های گوناگون هدایت کند یا آن را در حالت خنثی قرار دهد. در صورتی که دوچرخه‌سوار مسیر را گم کند، یك نمایشگر روشن نشان می‌دهد که در حال حاضر کدام شاخص در حال چشمك زدن است.

این سیستم، یك اپلیکیشن نیز دارد که روی تلفن همراه نصب می‌شود و در نحوه استفاده از سیستم، به کاربران کمك می‌کند. کاربران می‌توانند با کمك این اپلیکیشن، صفحه نمایش روی تسمه و کلاه را روشن یا خاموش و روشنایی آن را تنظیم کنند، آنها را در حالت‌های ثابت و متحرك قرار دهند و سطح شارژ باتری را نیز بررسی کنند.



باتری این سیستم با یك بار شارژ معمولا برای تسمه به مدت پنج روز و در هر روز نیم‌ساعت برای کلاه، به مدت یك هفته و برای کنترل از راه دور، به مدت دو هفته کفایت می‌کند. سیستم کامل وی‌وی، در حال حاضر با قیمت ۹۸ دلار به‌فروش می‌رسد.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با پیام دهکردی، بازیگر سینما و تئاتر

آدم با فرهنگ اختلاس نمی‌کند



طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

بازیگر است و درس این حرفه را هم می‌دهد. در تئاتر حرفی برای گفتن دارد هم در بازیگری هم در کارگردانی. تا حالا چند جایزه داخلی و خارجی برای حضورش در تئاتر گرفته. در سینما بازی در فیلم‌هایی مانند یك تکه نان، یك بوس کوچولو، راه آبی ابریشم و... را دارد و در تلویزیون بازی‌اش در سریال‌های شهریار، مدار صفردرجه، گذر از رنج‌ها و... در یادها مانده است. با او هم صحبت می‌شوم تا درباره رویاهایش بپرسم و آرزوهایی که به آنها دست یافته و فرق امروز و دیروز. می‌دانم چند سالی درگیر بیماری سرطان بوده و اسمش در کنار چهره‌های معروفی ثبت شده که با این بیماری مبارزه کرده و آن را شکست داده و حالا دارند زندگی عادی خود را سپری می‌کنند. اما درباره بیماری‌اش چیزی نمی‌پرسم، لزومی نمی‌بینم به گذشته‌ای که دوست‌داشتنی نیست، نقب بزنم. او همه حرف‌هایش درباره این بیماری را در برنامه ماه عسل و روزنامه‌ها و مجلات گفته است. ترجیح می‌دهم درباره زندگی با او صحبت کنم، فراز و فرودهای زندگی و ربطش به آنچه در اختیار ماست و آنچه از اختیار ما خارج است.

بازیگری کجای رویاهای کودکی شما قرار داشت و چقدر برایتان جدی بود؟

راستش از کودکی برایم جدی بود. زمانی که دبیرستان می‌رفتم و برای کنکور آماده می‌شدم، دو رویا داشتم که به نظرم دست‌نیافتنی بودند؛ یکی دیدن ساختمان تئاتر شهر از نزدیك - چون شهرستان زندگی می‌کردم - و دیگری دیدن آقای حمید سمندریان. تصور این‌که در تئاتر شهر روی صحنه بروم رویای زیبایی بود که خوشبختانه تبدیل به واقعیت شد و امکان این که شاگردی استاد سمندریان را هم تجربه کنم، فراهم شد؛ استادی که هرچند در قید حیات نیستند اما من احساس می‌کنم هنوز هم دارم از ایشان می‌آموزم. در یکی از نمایش‌های استاد بازی کردم و در موسسه ایشان، معلمی هم کردم. به رویاهایم دست یافتم و این خیلی خوشایند است.

همه آدم‌ها رویاها و آرزوهایی دارند اما برای رسیدن به آنها برنامه‌ریزی و پشتکار دقیقی لازم است وگرنه ابتر می‌مانند. شما چگونه برنامه‌ریزی کردید که توانستید به آرزوهایتان برسید؟

آن زمان شرایط حاکم بر فرهنگ و هنر به اندازه امروز رقت‌آور نبود. اگر برنامه‌ریزی می‌کردی و با همه وجود دانش هر رشته‌ای را می‌آموختی، قطعا موفق می‌شدی. مثل الان نبود که شرایط پر از اشکال و ایراد باشد. من برنامه‌ریزی کردم با این بینش که بازیگری علمی مهم و سخت است. می‌دانستم باید شاگردی کنم و مطالعات بین‌رشته‌ای داشته باشم تا بتوانم موفق شوم. می‌دانستم محور بازیگری، انسان است پس باید در زمینه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات و شعر و... مطالعه کنم. آن سال‌ها با برنامه‌ریزی و پشتکار، یك پسر شهرستانی که نه آشنا داشت و نه پارتی و نه پول، توانست به تهران بیاید و رویاهایش را عملی کند.

با تکیه با توانمندی‌های درونی وارد حرفه بازیگری شدید، مسیر پر فراز و نشیبی را طی کردید و تبدیل شدید به پیام دهکردی که بازیگر توانایی است؛ اما الان دارید از شرایطی می‌گویید که تغییر کرده است. شرایط جامعه چقدر می‌تواند در رسیدن به آرزوها و تحقق رویاها تاثیرگذار باشد. زیاد می‌شنویم که می‌گویند در ایران نمی‌توان بر اساس روش‌های علمی موفقیت، به آدم موفقی تبدیل شد چون قوانین اینجا با همه جای دنیا فرق می‌کند؟

بدون شك علوم انسانی و هنر زیر چتری وسیع قرار می‌گیرد که فرهنگ نام دارد. اگر دانش داشته باشی و تلاش کنی حتما در رشته مورد علاقه‌ات موفق می‌شوی اما چرا در کشور ما این اتفاق نمی‌افتد و چرا بیشتر دانشجویان رشته هنر تاکید می‌کنند که دانش و برنامه‌ریزی ارزش ندارد. معتقدم ما در حوزه‌های فناوری، پزشکی، امنیتی و دفاعی خیلی خوب عمل کرده‌ایم با همه تحریم‌ها و سختی‌ها؛ اما در حوزه فرهنگ اوضاعمان فاجعه است. وقتی در کشورمان فرهنگ فقط اقرار به لسان مسؤولان است، نباید توقع خروجی مناسبی داشت. اگر فرهنگ ما رشد کرده بود، این همه بزه و قانون‌گریزی و فساد، اختلاس و... نداشتیم. اگر مدیری، اختلاس می‌کند نشان دهنده این است که بی‌فرهنگ است. آدم بافرهنگ دزدی نمی‌کند. اگر مسؤولان و متولیان فرهنگی دست به جهادی بزرگ در حوزه فرهنگ نزنند کشور ما دچار زلزله‌ای عظیم می‌شود و زمانی که زلزله رخ دهد دیگر نگاه نمی‌کند چه کسی وزیر است و چه کسی آقازاده. همه را از بین خواهد برد. در این شرایط از فرهنگ که زیرساخت اخلاق است، چگونه می‌توان انتظار شایسته سالاری و عدالت اجتماعی داشت. سال‌هاست فقط با غرغره واژه‌ها رو به رو هستیم بدون این‌که عملا آنها را ببینیم. صحبت از دانش و آگاهی و شایسته‌سالاری است اما در عمل اصلا اتفاق خوبی نمی‌افتد و تنها چیزی که شاهدش هستیم بی‌اخلاقی‌هایی است که روز به روز بیشتر می‌شود. معتقدم در بزنگاه کنونی فارغ از جنگ‌های نظامی آن چیزی که می‌تواند جدی باشد، جنگ فرهنگی است. قبول کنیم که زیرساخت‌های فرهنگی را رها کرده‌ایم. ما اکنون خوشه‌چین فرهنگی هستیم که ده سال قبل بذر آن را کاشته‌ایم. در هر زمینه‌ای از نوع رانندگی بگیر تا اتفاقات محیط‌زیستی و... با مشکل روبه‌رو شده‌ایم به این دلیل است که زیرساخت‌های فرهنگی و اخلاقی را رها کرده‌ایم و بی‌برنامگی باعث شده جامعه با بحران روبه‌رو شود. تا زمانی که مسؤولان و متولان فرهنگی فقط ژست فرهنگی بگیرند، اما در این زمینه قدم‌های موثر و کاربردی برندارند جامعه ما روز به روز با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهد شد. باید ضرورت توجه به فرهنگ و فرهنگ‌سازی درست از حرف و عکس یادگاری به عمل تبدیل شود تا شاید ده سال دیگر شرایط‌مان بهتر از اکنون شود.

در کودکی علم بهتر است یا ثروت، موضوع انشایمان بود. آن زمان چه می‌نوشتید و الان درباره این موضوع چه می‌نویسید؟

آن زمان علم از همه چیز بهتر بود. باور پدر و مادر و معلمان و همه مردم جامعه این بود که علم بهتر از ثروت است. جامعه ما را به سمت علم می‌برد چون به ما می‌آموختند اگر علم بیاموزیم، ثروتمند هم خواهیم شد، اما به تعبیر مولانا که می‌فرماید: «چه دانستم که این سودا مرا زین سان کند مجنون ...» من چه می‌دانستم دو دهه بعد از آن ساعت انشا به روزگاری می‌رسم که پول و پول‌پرستی به رکن اساسی جامعه تبدیل می‌شود و برای موفقیت و زندگی عادی گاهی باید همه آرمان‌هایت را نادیده بگیری. اگر مادرم زنده بود به او می‌گفتم مادر جان موضوع علم بهتر است یا ثروت را باید بار دیگر بررسی کنیم و ببینیم کدام یك بهتر است. هر چند به باور من هیچ‌کدام خوب نیست، آن چیزی که مهم است، آگاهی است. معتقدم اگر آگاهی انسان بالا برو - آگاهی ربطی به سواد ندارد - و اگر فرهنگ و اصول اخلاقی را بیاموزیم که باز هم ربطی به میزان سواد ندارد، مسیر آدمی را راهنمایی می‌کند که چگونه قدم‌های درستی بردارد تا زندگی مطلوب و توام با فرهنگ و اخلاقی داشته باشد.

مقطع حساس کنونی

حکایت جایزه مخترع شطرنج و منچ



امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

وقتی سسا مخترع شطرنج این بازی را به پادشاه هند عرضه کرد، پادشاه که بسیار مشعوف شده بود به او گفت: حالا که چنین بازی خوبی اختراع کردی، هرچیز دوست داری تقاضا کن تا به تو بدهیم.

سسا گفت: پادشاها، شما محبت دارید، اما من چیز زیادی می‌خواهم، شاید در توان شما نباشد. پادشاه گفت: در توان ما نباشد؟ زکی. مگر چی هست؟

سسا گفت: در خانه اول صفحه شطرنج یك دانه گندم، در خانه دوم دو دانه گندم، در خانه سوم چهار دانه گندم، در خانه چهارم هشت دانه گندم، در خانه پنجم ۱۶ دانه... پادشاه گفت: خیلی خب بس است، به‌ازای هر ۶۴ خانه هی ضربدر دو.

چه خواسته محقری. برو. می‌گویم نوکران گندمت را برایت بیاورند. سسا به خانه بازگشت و پادشاه به خواب عصرگاهی رفت. وقتی بیدار شد از وزیر اعظم پرسید: گندم‌های یارو را برایش فرستادید؟

وزیر اعظم گفت: خیر پادشاه گفت: چرا؟

وزیر اعظم گفت: ریاضیدانان مشغول محاسبه مقدار گندمند. بعد از شام پادشاه از وزیر اعظم پرسید: چی شد؟ وزیر اعظم گفت: امیدواریم تا صبح کار محاسبه به پایان برسد.

پادشاه گفت: وا. چهار کیسه گندم اینقدر محاسبه دارد؟

وزیر اعظم گفت: گویا زیاد است. فردا صبح رئیس دپارتمان ریاضی محض به محضر پادشاه رسید و گفت: پادشاها، کار محاسبه به پایان رسید.

پادشاه گفت: خب؟ رئیس دپارتمان گفت: پادشاها، نه تنها شما بلکه هیچ‌کس قادر به تأمین این مقدار گندم نیست. پادشاه گفت: مگر چقدر است؟ رئیس دپارتمان گفت: ۱۸۴۴۶۷۴۴۰۷۳۷۰۹۵۵۱۶۱۶ دانه گندم.

پادشاه پرسید: اووووه. ینی چقدر؟ رئیس دپارتمان ادامه داد: براساس محاسبات ما هریك مترمکعب گندم به طور متوسط شامل ۱۵۰۰۰۰۰۰ دانه گندم است.

بنابراین پاداشی که مخترع تقاضا کرده به انباری با ابعاد ۱۲۰۰ کیلومتر مکعب نیاز دارد. اگر این انبار ده متر عرض و چهار متر ارتفاع داشته باشد، طول آن ۳۰۰۰۰۰۰ کیلومتر خواهد بود.

در این هنگام پادشاه که مخش سوت کشیده بود سسا را احضار کرد و شطرنج را به طرف او پرتاب کرد و گفت نخواستیم و به وزیر اعظم دستور داد منچ بیاورند و خودش و وزیر اعظم و رئیس دپارتمان ریاضی محض به همراه یکی از نگهبانان به بازی منچ پرداختند و تا وقت ناهار خنده و شادی کردند.

این ژاپنی‌های رکوردشکن



نام پیرترین فرد زنده دنیا از ژاپن در کتاب گینس به ثبت رسید.

به گزارش ایسنا، کین تاناکا با ۱۱۶ سال نام خود را در کتاب رکوردهای گینس به عنوان پیرترین فرد دنیا به ثبت رساند. این زن ژاپنی در دوم ژانویه ۱۹۰۳ متولد شده و در شهر فوکوئوکا در جنوب غربی ژاپن زندگی می‌کند.

کارشناسان گینس اعلام کردند این زن معمولا ساعت ۶ صبح از خواب بیدار می‌شود و ریاضی تمرین می‌کند.

پیش از این چیوی میوکا عنوان پیرترین زن جهان را در اختیار داشت که در ۱۱۷ ساگی درگذشت.



عکس: ایسنا

برف سنگین اواخر اسفند، مردم همدان را غافلگیر کرد



پیدا کردن داماد به سبك افسانه‌های شاه پریان

یك سرمایه‌دار تایلندی، با هدف پیدا کردن داماد برای دختر ۲۶ ساله‌اش مسابقه‌ای تدارك دیده است. به گزارش تابناك، این مرد تایلندی ۵۸ ساله در پست اینستاگرامی‌اش نوشت، در زمینه فروش میوه دوریان فعالیت می‌کند. آقای رودثونگ گفته دختر ۲۶ ساله‌اش چندی است قصد ازدواج دارد، به خاطر همین او به عنوان پدر قرار است مسابقه‌ای برای پیدا کردن داماد ایده‌آل برگزار کند. او گفته هر کسی بتواند این مسابقه را ببرد و صلاحیت ازدواج با دخترش را داشته باشد، ده میلیون بایت تایلندی معادل ۳۱۴ هزار دلار به او جایزه خواهد داد. او که کم و کیف مسابقه را هنوز مشخص نکرده در پست خود نوشت: اگر بخواهم منتظر باشم تا روزی روزگاری خواستگاری برای دخترم پیدا شود، خیلی زمان می‌برد به همین دلیل خودم پیش‌قدم شده‌ام. کارنسیا، دختر این مرد پولدار در واکنش به اظهارات پدرش گفت، از این ایده خوشحال است. او می‌گوید سختگیر نیستم و فقط می‌خواهم با کسی ازدواج کنم که با هم در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنیم و عکس بگیریم.

خانم وزیر متفاوت

وزیر امور خانواده، سالمندان، زنان و جوانان در آلمان به جمع کارگران شرکت نظافت رفت و به مناسبت روز جهانی زن به آنها برای جمع‌آوری زباله‌ها از جلوی منازل کمك کرد.

به گزارش دیلی‌میل، خانم فرانسیسکا گیفی، سوار یکی از ماشین‌های ویژه جمع‌آوری زباله شد و با جمع کردن زباله‌ها از جلوی خانه‌های مردم، آنها را شگفت‌زده کرد.



او معتقد است زن‌ها برای به دست آوردن حقوق و احترام نباید فقط دنبال کارهای لوکس و شیك بوده و راحت‌طلب باشند.